

نشریه ادب و زبان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
سال ۱۸، شماره ۳۸، پاییز و زمستان ۹۴

بررسی سبکی و محتوایی نسخه خطی «مجمره» رساله در عطرکشی»
با نگاهی به تاریخچه عطر و عطرسازی
(علمی - پژوهشی)*

دکتر بهناز پیامی^۱
عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور

چکیده

توجه به نسخ خطی و تصحیح آنها با هدف احیای علوم و فنون گذشتگان یکی از دغدغه‌های ادیبان و نسخه‌شناسان است. این آثار و دست‌نوشته‌های گران‌بها که حاوی موضوعات گوناگون شاخه‌های مختلف علوم‌اند باید به‌عنوان اسناد کهن دانش‌های بشری مورد توجه ویژه قرار گیرند تا ارتباط علمی نزدیکی بین مردم در هر دوره با سطوح علمی در سابقه علمی-ادبی و تاریخی دیارشان برقرار گردد. اهمیت چنین دانش‌هایی، نویسنده این پژوهش را بر آن داشت که ضمن معرفی یکی از رساله‌های خطی با موضوع عطر و عطرسازی به تصحیح آن نیز بپردازد. رساله خطی حاضر که «مجمره» نام دارد، تألیف محمد کریم بن ابراهیم کرمانی از رجال عصر قاجار است که ضمن بیان اهمیت عطر در روایات و احادیث ائمه معصومین^(ع) به تأثیر عطر در سلامت روان انسان نیز پرداخته است؛ و طی یک مقدمه، هفت باب و خاتمه، شیوه‌های ساخت و ترکیب انواع عطر، ارکجه، غالیه، عبیر، شمامه، شند و... را با مهارت بازگو کرده است.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله : ۱۳۹۴/۷/۲۶

تاریخ ارسال مقاله : ۱۳۹۳/۵/۲۲

نشانی پست الکترونیک نویسنده:

1- behnazpayam@yahoo.com

واژه‌های کلیدی: رساله، مجمره، عطر، عطرکشی، حاج محمد کریم خان بن

ابراهیم کرمانی

۱- مقدمه

اعتقاد به تأثیر شگفت‌انگیز گیاهان و نیروی نهفته در آنها از گذشته با بشر همراه بوده و زندگی او را تحت تأثیر قرار داده است. باورمندی به قدرت جادویی شفابخشی و یا مرگ‌آفرینی گیاهان، هرگز از اندیشه انسان‌ها جدا نبوده است تا آنجا که به تفکر گیاه‌تباری نزدیک و متمایل گردید. به همین دلیل در سابقه اساطیری خود برای نسل و نژادش شجره‌نامه آفرید تا هرچه بیشتر به این منبع نیرومند نزدیک شود و از خطرات و آسیب‌های احتمالی آن بر خود و اطرافیان و محیط پیرامونش بکاهد. این هم‌نشینی با گیاهان و تبارشناسی نباتی، محدود به شناخت یک باور دور اساطیری نشد و انسان توانست در طول زمان از فواید و تأثیرات این عنصر نخستین وجودی - به زعم او - آگاهی بیشتری به دست آورد تا آنجا که آن را مقدس شمرده، در همه آیین‌ها و مراسم دینی - به شیوه‌های مختلف - به کار برد.

این نوع تفکر، انسان را به سوی شیوه‌های متنوعی برای بهره‌مندی بهتر و بیشتر از این منبع تقدس با هدف برکت‌بخشی به زندگی و محیط پیرامون، رهنمون ساخت تا آنجا که در کنار شیوه‌هایی مانند گیاه‌درمانی به عطرسازی نیز روی آورد. در بررسی تاریخچه عطر و عطرسازی، تخم همه خوردنی‌ها و رستنی‌های خوشبو را در ورجمکرد می‌یابیم. (ر.ک: عقیقی، ۱۳۸۳: ۶۳۷ و اسماعیل پور، ۱۳۸۹: ۲۶۶ و کریستن سن، ۱۳۸۳: ۳۰۶). که نشان از ارزشمندی عطر گل و گیاه برای بشر دارد و این باور وجود دارد که جمشید «بویهای خوش به کارداشت» چون عود و مشک و کافور و عنبر و گالیه» (بلعمی، ۱۳۸۵: ۸۸). ارزشمندی بو و عطر گل‌ها و گیاهان برای بشر تا آنجاست که بهشت، بدون آنها تصور نمی‌شود (ر.ک: طبری، ۱۳۸۴: ۳۶). ارداویراف مقدس در بهشتی گام برمی‌دارد که پر از عطر خوش گل‌هاست (ر.ک: دادگی، ۱۳۸۰، فصل ۴: بند ۷-۸، نیز: بهار، ۱۳۸۴: ۳۰۳-۳۰۴ و بلعمی، ۱۳۸۵: ۸۸ و خلف نیشابوری، ۱۳۸۶: ۲۰). در چنین مکانی «پارسایان در بهشت، آسوده از پیری و مرگ و بیم و غم و آسیب‌اند و همیشه پرفره و خوشبوی و خرم و پرشادی

و پرنیکی اند و هر زمان باد خوشبوی و بویی همانند بوی گل به پذیره آنان آید که از هر خوشی خوش تر و از هر عطر، خوشبوی تر است» (مینوی خرد، ۱۳۸۰: ۳۰). ایرانیان باستان، گل‌ها را به دلیل انتساب به امشاسپندان، مقدس می‌دانستند. «...مورّد و یاسمن، هرمز را خویش است و یاسمن سپید، بهمن را، و مرزنگوش، اردیبهشت را و شاه اسپرغم، شهریور را، پلنگ مشک، سپندارمذ را و سوسن، خرداد را... نیلوفر، آبان را... نرگس، ماه را... بنفشه، تیر را... سنبل، بهرام را... بادرنگ بویه، باد را... گل یکصدبرگ، دین را، همیشه بهار، ارد را، آلاله، اشتاد را...» (دادگی، ۱۳۸۰: ۸۸). در ارت یشت نیز، ایزد(ارت) برای خشنودکنندگان خود، «تخت‌هایی خوش ساخت، خوب گسترده و خوشبو... عطا می‌کند» (اوستا، یشتها، ارت یشت، کرده دوم، بند ۹: ۴۶۹، نیز ر.ک: پوردادود، ۱۳۸۰: ۲۴۷). در ارداویرافنامه، بوی خوش گل‌ها و گیاهان از ناحیه ایزدان می‌وزد(دادگی، ۱۳۸۰، فصل ۴: بند ۷-۸). در بندهش از گل‌ها و گیاهان خوشبو یاد می‌شود: «هرچه را ریشه یا پوست یا چوب بویا است چون کندر، راش، کوست،... صندل، پلنگ مشک، کاکوله، کافور، بادنج بوی، و دیگر از این گونه، بوی دار خوانند» (همان، ۱۳۸۰: ۸۷). در اساطیر نیز به خاصیت درمانی و شفابخشی گیاهان تحت تأثیر ماه اشاره می‌شود تا آنجا که در باور ملل کهن با «گیاه زندگی» روبه‌رو می‌شویم (الیاده، ۱۳۸۵: ۲۷۳). باور دیگر این است که این خاصیت درمانگری و شفابخشی بعضی گیاهان از این بابت است که این گونه گیاهان یا نمونه‌ای مینوی دارند و یا نخست بار ایزدی آنها را چیده و جمع‌آوری کرده است. هیچ نباتی به خودی خود، شریف و ارزشمند نیست، بلکه فقط از طریق مشارکت و انبازی‌اش با یک نمونه ازلی و یا به سبب تکرار اعمال و خواندن اوراد و نیرنگ‌هایی که آن را از قلمرو ناسوتی پیرامونش جدا کرده، متبرکّش می‌سازد، دارای ارزش می‌شود(الیاده، ۱۳۸۴: ۴۵). در نگاه بشر دین باور، ریشه همه گل‌ها و گیاهان خوشبو را باید در بهشت جست‌وجو کرد. آن گونه که از این منابع برمی‌آید «چون آدم^(ع) از بهشت بیرون آمد پنج چیز با وی بود... و چهارم؛ دو برگ انجیر بود که چون آدم از حله جدا ماند دو برگ انجیر کننده بود و خویشتن ببوشید و حوا نیز دو برگ انجیر بکنده بود چون به دنیا آمدند از آن دو برگ، یکی آهو بخورد تا روز قیامت از او مشک همی‌آید و یکی گاو بخورد تا قیامت عنبر همی‌دهد» (خلیف نیشابوری، ۱۳۸۶: ۲۲).

در برخی منابع نیز در مقام مقایسه از مشک و کافور و عنبر به عنوان برترین عطرها یاد می‌شود (تاریخ سیستان، ۱۳۸۱: ۸۹). اهمیت عطر گل‌ها و گیاهان، گاه به درختان نیز سرایت می‌کند. در کهن‌ترین اسطوره بشر، گیل گمش، با درختان سدري روبه‌رو می‌شویم که ویژگی آنها خوشبویی است و آن قدر ارزشمند است که قطع آن موجب پادافره خواهد شد «هر که درخت سدر را قطع کند، سرسختانه پادافره خواهد دید» (ف. ژیران و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۰۲). استفاده آئینی از عطرها و روغن‌های خوشبوی ترکیب یافته از مواد گوناگون در گذشته‌های دور در مراسم تاجگذاری پادشاهان رواج داشته است (بهار، ۱۳۸۱: ۹۲). علاوه بر به کارگیری عطر در کاخ پادشاهان به منظور ایجاد بوی خوش، آرایشگران سلطنتی «مو و ریش آنها (پادشاهان) را مجعد و سپس با روغن‌های معطر و انواع مواد معطر روغن مالی می‌کردند» (شان‌دور، ۱۳۵۵: ۲۰۰). بالطبع، توجه ویژه پادشاهان و طبقه اشراف - به ویژه در دوران هخامنشی - به مواد معطر به تدریج، فضای مناسب برای شکل‌گیری مشاغل مرتبط با این کار از جمله عطرسازی را ایجاد می‌کرد و موجبات حضور افراد بسیاری در دربار را فراهم می‌آورد؛ به طوری که تاریخ از حضور چهل نفر عطر ساز در اردوی داریوش سوم با ما سخن می‌گوید (ویسپوفر، ۱۳۷۸: ۶۲). به گونه‌ای که عطرها متنوع با کاربردهای متفاوت و مورد نظر پادشاهان به وجود می‌آید (بریان، ۱۳۷۷، ج ۱: ۶۳۴). وجود این گونه تنوع در عطرها با توجه به جنسیت افراد نیز قابل دسته‌بندی به عطرها ویژه زنان و مردان بوده است. نکته دیگر اینکه چگونگی استفاده از عطرها هم با توجه به نوع به کارگیری برای آرایش صورت، مو، بدن و لباس متفاوت بوده است (بهار، ۱۳۸۱: ۹۲؛ کالج، ۱۳۵۵: ۸۲). در آیین تدفین در گذشتگان نیز از چهار گیاه خوشبوی «اورواسنی»، «وهو-گون»، «وهو-کرتی» و «هذ-نپتا» استفاده می‌شده است (اوستا، وندیداد، فرگرد ۸، بخش ۲). ساخت عطر، محدود به گل‌ها و گیاهان و یا ترکیب آنها نبود و چوب‌های معطر درختانی مثل صندل و ساج هم از دیرباز جایگاه خاصی در اندیشه گیاه‌شناسی و عطر سازی بشر داشته است. واژه «هوبوژدی» به معنی خوشبو برای این دسته از چوب‌ها که در هنگام سوختن بوی خوش از آنها پراکنده می‌شود به کار می‌رود (اوشیدری، ۱۳۸۳: ۴۹۹). براساس متون تاریخی، گسترش دانش عطر سازی تا آنجا بود که حتی برخی از شهرها به داشتن و استفاده بعضی از عطرها شهرت داشتند. حمدالله مستوفی به «مشمومات چون نیلوفر و بنفشه و

یاسمن و نرگس» در شهر شاپور اشاره می‌کند (گای، ۱۳۸۳: ۲۸۴). احادیث و روایات بسیاری نیز از پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) در زمینه اهمیت عطر و فضیلت بعضی از انواع آن ذکر شده است: در سنن النبی به نقل از پیامبر اسلام (ص) آمده است: «دوستم جبرئیل به من گفت: یک روز در میان خود را معطر ساز و این کار در روزهای جمعه ترک نشود» (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۱۰۶). از امام کاظم (ع) نیز منقول است: «شایسته است که مرد هر روز از بوی خوش استفاده کند» (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۷۷، ج ۷: ۳۳۹). در روایتی از امام صادق (ع) نیز آمده است: «دو رکعت نماز با عطر بهتر از هفتاد رکعت نماز کسی است که عطر نزده است» (همان).

گسترش دانش ایرانیان در زمینه شناخت فواید گیاهان و گل‌ها و راه‌های استفاده از آنها تحت تأثیر آموزه‌ها و توصیه‌های دینی در خصوص اهمیت استفاده از عطر و عصاره گیاهان موجب گردید در کنار دانش پزشکی و گیاه‌درمانی در صنعت عطرسازی هم از آنها بهره‌مند شوند تا آنجا که در مواردی برای معطر ساختن شربت‌ها و نوشیدنی‌های خود نیز از عطر گل‌ها- از جمله گلاب- استفاده کنند. با گذشت زمان و افزایش سطح دانش صاحبان این هنر/ صنعت، انواع عطرها شکل گرفت که با توجه به منبع و مواد اولیه برای ساخت انواع آن «گیاهی یا جانوری» دو دسته، عطر- پایه به وجود آمد. نخست: عطر- پایه‌های گیاهی شامل گل‌ها و گیاهان معطر، صمغ‌ها، چوب‌ها، دانه‌ها، شکوفه‌ها و... و دیگر: عطر- پایه‌های جانوری که به دو دسته «خشکی منشأ» و «دریایی منشأ» تقسیم می‌شوند. که نوع نخست از جانورانی مثل آهوی مشک و گربه مشک که در خشکی زندگی می‌کنند به دست می‌آید و نوع دوم از جانوران دریایی مثل ماهی عنبر و نوعی صدف به نام اظفار الطیب یا ناخن پریان تهیه می‌شود (انصاری، ۱۳۸۱: ۳۰-۳۱). نکته دیگر در این صنعت، تنوع شیوه‌های ساخت و نحوه استخراج عطراست که از آن میان می‌توان به تقطیر کردن، روغن‌گیری، بخورسوزاندن اشاره کرد (ر.ک: همان: ۵۹). وجود این شیوه‌ها در دوره‌های مختلف و اهمیتی که به این کار داده می‌شده است موجب گردید تألیفاتی نیز در این موضوع تحریر گردد و از آن جمله باید به مجمره که رساله‌ای است با موضوع عطر و عطرکشی اشاره کرد که در ادامه به بیان توضیحاتی درباره این اثر و مؤلف آن پرداخته خواهد شد.

۱-۱- بیان مسئله

اهمیت عطر و شیوه های ساخت و آماده سازی آن در فرهنگ های مختلف، همواره مورد توجه بوده و به عنوان بخشی از فرهنگ هر جامعه محسوب بوده و هست. ضرورت گسترش این دانش و حرفه در دوره های مختلف مورد علاقه بوده و در کتب طبّی و منابعی که به موضوع گیاهان دارویی پرداخته اند کمابیش به آن پرداخته شده است. پژوهشی که در ادامه خواهد آمد، بررسی نسخه ای خطّی با موضوع عطر و انواع آن و شیوه های عطرسازی، متعلق به حاج محمدبن ابراهیم کرمانی است که با دقت و وسواس بسیار، سعی در بیان روش های صحیح ترکیب و ساخت انواع عطر نموده که می تواند برای علاقمندان این حوزه، جالب توجه باشد.

۲-۱- پیشینه تحقیق

طی بررسی های به عمل آمده در رشته های علوم پایه تحقیقاتی در زمینه عطر، انواع آن و گیاهان دارویی انجام و نتیجه آنها به صورت مقاله و کتاب منتشر شده است. در ادبیات فارسی نیز در این زمینه باید به عطرنامه علایی (۱۳۴۷) اشاره کرد که مشتمل بر دو مقاله است. مؤلف در مقاله نخست به مفردات معطرات، مانند مشک، کافور، عود و عنبر می پردازد و در مقاله دوم به ندها، لخلخه ها، غالیه ها، مطرا، رامک و سک شک و ذرورها. کتاب تاریخ عطر در ایران از شهره انصاری (۱۳۸۱) حائز اهمیت است. اما در حوزه نسخه پژوهی بررسی سبکی و محتوایی نسخه ای خطّی با موضوع اختصاصی عطر و شناختن و ساختن آن مشاهده نشد.

۳-۱- ضرورت و اهمیت تحقیق

احیای نسخه های خطّی به عنوان میراث های ادبی و علمی ارزشمند هر قوم با توجه به تنوع موضوعی موجود در آنها همواره مورد توجه و مراجعه نسخه پژوهان و علاقمندان به دانش های کهن بوده است. یکی از موضوعات مورد نظر گیاهان معطر، شیوه های به کارگیری و ساخت آنهاست که از روزگاران دور تاکنون خواستاران بسیاری داشته است. آگاهی از این نوع دست نوشته ها می تواند ما را به فرهنگ عامه روزگاران کهن و گوشه هایی از دانسته های مردم آن دوران، آشنا سازد. اهمیت چنین موضوعی در فرهنگ ایرانی نویسنده را

بر آن داشته است که در این پژوهش ویژگی‌های سبکی و محتوایی یکی از این نسخه‌های ارزشمند خطی را با نام مجمره جهت آشنایی خوانندگان، بیان نماید.

۱-۴- سخنی درباره احوال و آثار مؤلف

حاج محمدکریم بن ابراهیم کرمانی در هجدهم محرم سال ۱۲۲۵ ق. در کرمان متولد شد. پدرش ابراهیم خان ظهیرالدوله، حاکم کرمان (۱۲۱۸ق) و مادرش دختر میرزا رحیم، مستوفی تفلیس بود. وی که فرزند ارشد خانواده بود، توانست به دلیل جایگاه اجتماعی پدر، در طی حکومت بیست و دو ساله بر دیار کرمان، از امکانات بسیاری که از همان دوران کودکی در اختیار داشت برای آموختن علوم و دانش‌های آن روزگار بهره گیرد و در مدرسه‌ای که پدرش در کرمان تأسیس کرد^۱ (یعنا، ۱۳۵۶، ش ۹، پیاپی ۳۵۱: ۵۳۶) به تحصیل پردازد. از نخستین معلمان او می‌توان به سید زین‌العابدین مجتهد و میرزا محمدعلی اصفهانی خوشنویس اشاره کرد که در محضر او خط می‌آموخت. حاج محمدکریم به تدریج توانست به پایگاهی در علوم دست یابد که از او با عناوینی از جمله متکلم، مورخ، محدث و شاعر یاد شود.

کرمانی شانزده ساله بود که پدرش درگذشت. پس از این اتفاق به منظور استفاده از تعالیم سیدکاظم رشتی (۱۲۱۲-۱۲۵۹ق)، جانشین شیخ احمد احسائی (۱۱۶۶-۱۲۴۱ ق) به کربلا سفر کرد و به مدت یک سال در حلقه شاگردان وی قرار گرفت. پس از مدتی به کرمان بازگشت و بعد از رسیدگی به امور املاک و موقوفات پدر دیگر بار به اتفاق همسرش به کربلا بازگشت و در آنجا اقامت گزید. کرمانی علاوه بر سیدکاظم رشتی از علمای دیگری نظیر ملاحسین گنجوی و آقا محمدشریف کرمانی اجازه روایت یافت. وی که از مخالفان فرقه بابیه بود نخستین کسی است که ردیه‌ای بر عقاید سیدمحمد باب نوشته است.

سرانجام روز دوشنبه دوم شعبان ۱۲۸۸ق. در روستای «ته رود» نزدیک شهر کرمان در مسیر مسافرت به عتبات درگذشت و در کنار قبر سیدکاظم رشتی در کربلا به خاک سپرده شد. در تعداد آثار به جای مانده از محمدکریم خان کرمانی اختلاف نظر وجود دارد. تعداد تألیفات او را ۲۲۷، ۲۴۶ و ۲۷۸ جلد نیز گفته‌اند (حاج سیدجوادی و دیگران، ۱۳۹۰: ۵۱).

برخی از مهم‌ترین تألیفات وی عبارتند از: ایقان فی اعجاز القرآن، تقویم العوج، تقدیم اللسان، تسلیت‌نامه، جوامع‌العلاج، جهادیه، حدائق‌الاصول، دقائق‌الفلاح، رساله بهبهانیه، رساله‌در فقه، شرح‌دعای‌سحر، فصل‌الخطاب‌الهادی‌الی‌طریق‌الصواب، هدایة‌الطالبین، طریق‌النجاه، خلاصه‌التقویم، سؤالات‌احمدیه، کتاب‌الموجز فی‌الطهارة، تیر شهاب‌درراندن‌باب، هدایة‌العوام، سی‌فصل، الفصول، حرز منقول من علاج‌الارواح، مجمره، کنز‌الرموز، دیوان کرمانی، مثنوی عرفانی و... (دایرة‌المعارف تشیع، ۱۳۹۰، ج ۱۴: ۵۰-۵۱؛ نیز ر.ک: بامداد، شرح حال رجال ایران، ۱۳۴۷، ج ۴: ۱-۵ و اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، بی‌تا، ج ۳: ۷۸۹-۷۹۰ و نوایی، (۱۳۲۷)، ش ۵: ۱۰۶-۱۱۸ و ش ۶: ۶۲-۷۳).

۲- بحث

در این پژوهش ویژگی‌های فکری، ادبی و زبانی نسخه خطی مجمره با موضوع عطر و عطر سازی به منظور آشنایی با این نوع آثار علمی بررسی می‌گردد که در ادامه به تفصیل به این موضوع پرداخته خواهد شد.

۲-۱- محتوای کلی نسخه

مجمره رساله‌ای است با موضوع عطر و انواع آن؛ و نیز شیوه‌های گوناگون ترکیب و ساخت انواع عطر که مؤلف با مراجعه به منابع زمان خود، جمع‌آوری نموده است. بر اساس اشاره صریح مؤلف، رساله مجمره در یک مقدمه و هفت باب، تنظیم گردیده است. در این نسخه، مؤلف در مقدمه با عنوان «در ذکر بعضی از اخبار که در فضل طیب‌ها و عطرهاست» پس از بیان موضوع اثر (عطر و عطر سازی) به ذکر احادیث و روایاتی از معصومین^(ع) درباره اهمیت جایگاه آن در دین اسلام و بهداشت می‌پردازد و به این وسیله فضل برخی از انواع عطر را بر سایرین با ذکر سند معتبر برای خوانندگان یادآوری می‌کند. در نخستین سطرهای نسخه آورده است: «چون تطیب، سنت انبیا و مرسلین و طریقه اولیا و صالحین است و غذای روح است و مقوی قوای طبیعی و حیوانی و نفسانی است و نسیم بهشت است و هر کس بالفطره آن را محبوب دارد اگرچه به حسب مزاج، طاقت بعضی آنها را نداشته باشد به جهت کثرت و یا قوت آن و فی‌الحقیقه، جمیع چیزها نسبت به مزاج بر همین نهج است؛ زیرا که مزاج را اندازه‌ای است از قوه که هرچه بر او وارد آید که از آن اقوی باشد مغیر آن خواهد شد. البته پس اینکه بعضی از مزاج‌ها از استعمال عطرها متاثر می‌شوند نه

این است که عطر، مقوی ارواح ایشان نیست؛ زیرا که عطر، غذای روحانی است و قوه فلکی و مناسبت به ارواح دارد...» در این نسخه، مؤلف استعمال عطر را موجب دفع شیاطین و انس ملائکه، کثرت روزی و عافیت ذکر می‌کند: «خاصیت استعمال عطر است که شیاطین از انسان فرار می‌کند و ملائکه به او انس گرفته به او احاطه کنند و البته این باعث زیادتای رزق می‌شود ظاهری و باطنی؛ و باعث صحت و عافیت و طاعت و خیرات و مبرات و کمالات او می‌شود.» (مقدمه)

وی مقدمه را با احادیث و روایاتی از پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) آغاز می‌کند در بخشی از مقدمه آورده است: «... و در حدیث دیگر است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله، مشکدانی داشتند که هرگاه وضو می‌ساختند با دست تر آن را می‌گرفتند و چون بیرون می‌آمدند از بوی خوش می‌دانستند که آن حضرت می‌آید» (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۸۱: ۵۸).

و حضرت صادق علیه السلام فرمودند: که غالیه زیاد و کمش یکسان است؛ هر کس کمی از غالیه دایماً استعمال کند کافی است او را و حضرت رضا علیه السلام فرمودند: که روغنی برای ایشان ساختند در آن مشک و عنبر بود و فرمود که بر کاغذی آیه الکرسی و حمد و معوذتین و بعضی از آیات نوشتند و در میان غلاف آن ظرف گذاشتند^۳ (مقدمه) (ر.ک: مجلسی، ۱۳۵۱، ج ۷: ۲۲).

تقسیم‌بندی دقیق، فصل‌بندی منظم، رعایت امانت در بیان اوزان و مقادیر و نیز تسلط کامل بر موضوع، از دیگر ویژگی‌های این رساله است. مؤلف در باب‌های هفت‌گانه با توجه به نوع عطر ابتدا به شیوه تلفظ درست نام آن می‌پردازد؛ سپس به توضیح کوتاهی درباره نوع عطر مورد نظر بسنده می‌کند و بعد انواع زیرمجموعه آن را با دقت قابل توجهی در بیان مقادیر و اوزان ذکر می‌کند. غالیه‌ها، ارکجه‌ها، عبیره‌ها، عطرها، بخورات و ندها، شمامات و عطریات متفرقه مواردی است که مؤلف ضمن توجه به آنها، مورد بررسی قرار داده است که در بخش معرفی نسخه اساس، به تفصیل به آنها خواهیم پرداخت.

۲-۲- معرفی نسخه‌ها

بر اساس فهرست‌واره دستنوشته‌های ایران (دنا) اثر مصطفی درایتی و فهرست نسخه‌های خطی فارسی اثر احمد منزوی از مجمره شش نسخه موجود است - که با توجه به

اینکه برای نخستین بار تصحیح شده است - اطلاعات مربوط به آنها در ذیل می آید:

۲-۲-۱- **نسخه کتابخانه ملی ملک:** نسخه با شماره ۴۳۸۴/۱ در بخش نسخ خطی کتابخانه ملی ملک موجود است. به خط نسخ و دارای ۴۴ صفحه ۱۶ سطری است. نسخه با عبارت «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين و بعد چنین گوید بنده ائیم کریم بن ابراهیم...» آغاز شده و در انجامه نسخه به نام کاتب اشاره نشده و با عبارت «تمام شد بر دست مؤلفش کریم بن ابراهیم در شب هفتم ماه مبارک رمضان سنه هزار و دویست و هفتاد هجری حامداً مصلياً مستغفراً» به پایان می رسد و شامل مقدمه، هفت باب و خاتمه به اختصار ذیل است:

مقدمه: شامل مطالبی با موضوع عطر و عطرسازی و بیان اهمیت سازگاری انواع عطر با مزاج و طبیعت افراد است.

باب اول: در ذکر غالیه ها که در آن پس از ارائه تعریفی از غالیه، ترکیب هجده نوع غالیه را برمی شمارد. در بخشی از این باب آمده است: «بدان که غالیه در اصل اسم است برای ادویه خوشبو که به هم می آمیزد با روغن و قیمت گزاف داشته باشد. بعد به همه آن نوع گفته شده و در عناصر آن خلاف است. بعضی گفته اند که عناصر آن مشک و عنبر و روغن بان است پس مختلف می شود در اوزان و ادخال ادویه دیگر به حسب اختلاف احوال و بعضی گفته اند که عناصر آن مشک و کافور و روغن بان است و حصی لبان و عرق های خوشبو و به حسب احوال عود و سکن و رامک و موم و لادن و امثال اینها اضافه می شود و بعضی عناصر آن مشک و عنبر و روغن بان و حصی لبان و عرق های خوشبو گرفته اند و بعضی عناصر آن را عنبر و روغن بان و حصی لبان و عرق های خوشبو گرفته اند و خواص دیگر غیر از تطیب، برای هر نسخه هست و چون غرض در این نسخه محض تطیب است متعرض خواص آنها نمی شویم.» سپس به شیوه ساخت غالیه می پردازد.

باب دوم: در اطیابی که به عنوان ارکجه مذکور شده است. در این باب ترکیب هجده نوع ارکجه، دو عبیرمایه و مید، بیان می شود. به کارگیری لغاتی مثل بسیار تحفه، خوشبو و نیکو و ارکجه عطاران هند در معرفی و نحوه ترکیب برخی از ارکجه ها و عطرها نشان دهنده اطلاع دقیق نویسنده از چگونگی ساخت عطر و نیز آشنایی با شیوه های مختلف عطرسازی در سرزمین های دیگر دارد. در ضمن باب دوم، پس از بیان ارکجه های

هجده گانه و نیز ارائه نظر خود درباره نحوه ترکیب و ساخت ارکجه به بحث درباره عبیر مایه به دلیل کاربرد آن در ساخت ارکجه می‌پردازد. همچنین نحوه ترکیب عنصری به نام مید را که مایه برخی از عطرهاست، بیان می‌کند. در بخشی از باب دوم در بیان معنی ارکجه و ترکیبات نوعی از آن آورده است: «... ارکجه بفتح همزه و سکون راء مهمله و فتح کاف فارسی و فتح جیم به زبان هندی به معنی طیب اعلی و از انواع اغالی است و نوع ساختن آنها بر نحو غالیه است به طوری که مذکور می‌شود.

ارکجه؛ عود قماری، غرقی خام، زعفران از هریک، دو درم، صندل سفید به گلاب سوده، اظفار الطیب، حب‌المحلب از هریک، سه درم، عنبر اشهب، یک درم، مشک ترکی، نیم درم، همه را به گلاب سوده، روغن زنبق یعنی یاسمین سفید با روغن بان مطیب هریک باشد؛ داخل کرده به قانون غالیه بسازند و بعضی در این ارکجه عطر عود هندی، عطر صندل، عطر گل سرخ، عطر عنبر اشهب مجموع یا بعضی داخل کنند.»

باب سوم: در عبیره‌ها؛ صاحب اثر در این باب ضمن اشاره به کاربرد عبیر برای معطر سازی موی زنان و نیز لباس‌ها از چهار نوع عبیر و نحوه ترکیب و ساخت آنها یاد می‌کند؛ همچنین برای ابزارهای عطرکشی توضیحاتی ارائه می‌دهد. وی می‌نویسد: «عبارت از طیب‌هایی است که به نحو ذرور استعمال کرده؛ لابه‌لای موی زنان پاشند یا اینکه در لاهای رخت در هنگام ضبط می‌پاشند. عبیر بگیرند نارنجی و جوف آن را خالی کنند؛ پس دواله در آن پر کنند با قدری عنبر اشهب و مشک و گلاب پس در دیگ مسی به آتش ملایم با گلاب بجوشانند تا گلاب بخشکد پس بیرون آورده صندل زرد و عود قماری و صندل سفید سوده؛ داخل کرده به هم مخلوط کنند و بردارند و در حقه یا شیشه ضبط کنند.»

باب چهارم: در عطرهاست که مراد روغن‌های مصعده از عقاقیر عطره باشد. در این باره نویسنده از پنج نوع ارکجه، سه عطر فتنه و سه عطر مجموعه در ضمن اشاره به عطرهاى مجموعه یاد می‌کند. در این باره از وسیله‌های عطرکشی نیز می‌نویسد؛ اما تصویری از آن ارائه نمی‌دهد. اما در نسخه‌های تهران، قم و آستان قدس تصویر مورد نظر آمده است. در این بخش دستور ساختن عطری را که خود اختراع کرده است آموزش می‌

دهد.

باب پنجم: در بخورات و ندها که آنها را به فارسی گشته گویند. در این باب، نه نمونه بخور همراه با دستور ترکیب و ساخت معرفی می‌شود. ترکیبات نمونه‌ای از بخورهای این بخش به شرح ذیل است: «بخورِ عنبرِ مرگبِ اعلی؛ عنبر اشهب، شصت و پنج مثقال، عود قماری خام، پنجاه و پنج مثقال، مشکِ تبتیِ خالص، ده مثقال، کافور قیصوری، هفت مثقال، ادویه را کوفته به گلاب سرشته، قرص‌ها سازند و در سایه بخشکانند.»

باب ششم: در شمامات است. در این باب ضمن ارائه تعریفی از شمامه به عنوان مرگبی خوشبو که آن را به شکل سیب یا غیر آن برای بوییدن می‌سازند از پنج نوع شمامه یاد می‌شود که از آن جمله ترکیب ساخت شمامه زیر است: «شمامه: عود قماری خام، پنج مثقال، قرنفل، سنبل‌الطیب، زعفران، اظفارالطیب، قاقله صغار، بسباسه، پوست زرد ترنج، هریک، یک مثقال و یک دانگ و نیم، عنبر اشهب، دو مثقال و نیم، مشکِ تبتی، بهارنارنج از هریک، یک مثقال، علفکِ هندی، حصی لبان، هریک دو مثقال و نیم، اجزاء را کوفته، بیخته به گلاب ساییده عود هندی، عطر عنبر، عطر ناکسیر از هریک نیم مثقال، روغن نرگس، روغن یاسمین، هریک، یک مثقال، داخل کرده به شکل سیب ساخته در سایه بخشکانند.» وی در ادامه به این نکته اشاره می‌کند که: «هر وقت که شمامات کم رایحه شود باید شکست و مکرر خمیر کرد با گلاب و سیب سازند.»

باب هفتم: در عطریات متفرقه. در این باب به موارد ذیل و چگونگی ساخت آنها اشاره می‌شود: تسبیح عنبر، شمع عنبر سه نوع، فتیله عنبر دو مورد، فتیله عود، شمع بخور، عود مطراً، چووه عود مفرد، چووه عود مرگب، شند (که از جمله اطياب است)، عرق فتنه و کافور مصعد، حلّ عنبر، حلّ کافور و حلّ حصی لبان. در این باب همچنین بخشی با عنوان دستور گرفتن روغن‌های خوشبو آمده که در آن به روغن گل سرخ، بنفشه، زنبق، یاس و گل رازقی پرداخته شده است. به طور نمونه در بخش طریقه ساخت تسبیح عنبر و کاربرد آن، شمع عنبر و فتیله عنبر می‌نویسد: «تسبیح عنبر برای گردانیدن یا به گردن بستن زنان، عنبر اشهب، مشکِ خالص، ورق گل سرخ، عبیر هریک به قدر حاجت کوفته، بیخته به گلاب سرشته جبوب سازند و اگر قدری صمغ یا کتیرا داخل کنند آدوم می‌شود. شمع عنبر؛ بگیرند قدری عنبر و با موم و روغن بگدازند و فتیله شمع را به آن داغ کرده

پس قدری عنبر با موم سفید گداخته دو سه پرده بریزند بالای آن موم خالص کافوری تا به حد شمع رسد و ضبط کنند.

فتیله عنبر؛ عنبر اشهب دو مثقال، عود هندی، نبات سفید هریک پنج مثقال، صندل سفید یک مثقال، همه را به گلاب سوده، فتیله‌ها سازند و در نسخه دیگر حصی لبان یک جزو داخل کنند.»

خاتمه: در این بخش، معادل فارسی اوزان و مقادیر عطریایی که در هفت باب رساله بر اساس گفته صاحب اثر از نسخه‌های هندی گرفته شده، آمده است. کلماتی مثل: سرخ، ماشه، توله، دام، اثار، پاو، سیرتام، استار، اوقیه، حبه، دانگ، رطل، قیراط، من طبی، مثقال صیرفی، درهم، مثقال طبی از این قرارند. مؤلف در این باره می‌نویسد: «در این کتاب بعضی از نسخ‌های هندی ذکر شد و در آنها اوزان هندی بود و خواستم که آن اوزان ذکر کنم که طالب بر آنها مطلع شود و بعضی اوزان هم دیگر بالتبع ذکر می‌شود بر حسب آنچه بعضی از اطبا نوشته‌اند.»

با توجه به عدم اشاره به نام کاتب و نیز اشاره به تاریخ ۱۲۷۰ ق. که نسبت به سایر نسخه‌ها دارای تقدم زمانی است و نیز دقت مؤلف در نگارش صحیح کلمات - بیش از دیگر نسخه‌ها - انتخاب این نسخه به عنوان نسخه اساس منطقی خواهد بود. نکته قابل ذکر در مورد این نسخه اینکه تصویری که در بعضی از نسخه‌ها در باب سوم از ابزار عرق‌گیری آمده در این نسخه موجود نیست و کاتب صرفاً به ذکر توضیحاتی در مورد وسیله مورد نظر اکتفا نموده است.

۲-۲-۲- نسخه کتابخانه امامزاده هلال بن علی آران و بیدگل: در فهرست‌واره دستنوشته‌های ایران (دنا) و فهرست نسخه‌های خطی فارسی به نسخه آران کاشان - محمد هلال با شماره ۲۲۰ اشاره شده و کلمه مؤلف / نستعلیق آمده است و عبارت «پاره شده است» به چشم می‌خورد. همچنین از بدون تاریخ بودن نسخه یاد شده است. علی‌رغم تلاش بسیار و مراجعه به کتابخانه امامزاده هلال بن علی آران کاشان برای دستیابی به تصویری از نسخه، متأسفانه به دلیل عدم همکاری مسئولان، دستیابی به نسخه ممکن نشد؛ لذا با توجه به دلایل فوق، نسخه کتابخانه ملی ملک به عنوان نسخه اساس در نظر گرفته شده است.

۲-۲-۳- نسخه کتابخانه دارالحديث قم: این نسخه با شماره ۳۲ در کتابخانه مؤسسه دارالحديث قم به خط نستعلیق، ۱۶ برگ ۱۹ سطری^۴ به کتابت علی اکبر بن محمد صادق نگهداری می شود. این نسخه در ششم شوال ۱۲۷۶ کتابت شده است و رساله هفدهم از مجموعه هفده گانه رساله های محمد کریم بن ابراهیم کرمانی است و از صفحه ۵۹ تا ۷۵ را شامل می شود. در صفحه یازده این نسخه، تصویری از ابزار عرق گیری و عطرسازی آمده است. در انجامه این نسخه نیز تاریخ ۱۲۷۲ ق. زمان تألیف اثر شناخته شده است. «تمام شد بر دست مؤلفش کریم بن ابراهیم در شب هفتم ماه مبارک رمضان از سنه هزار و دو بیست و هفتاد و دو هجری حامداً مصلياً مستغفراً تمام شد کتابت این نسخه شریفه به خط اقل الدهر علی اکبر بن آقا محمد صادق فی ششم شهر شوال المکرم فی شهر سنه ۱۲۷۶ در دارالسلطنه تبریز».

کاتب در حاشیه صفحه پایانی به مغلوط بودن نسخه ای که از روی آن استنساخ نموده اشاره کرده، آورده است: «فرض نماند که آن نسخه که حقیر از رویش استنساخ نمودم بسیار مغلوط بود و چون در تبریز غیر از همان یک نسخه مغلوط نسخه دیگر یافت نمی شد علی العجاله، رونویسی از آن شد تا انشاءالله بعد از این نسخه صحیحی به دست آورده مقابله نمایم به جهت اطلاع ناظران عرض شد والسلام علی من اتبع الهدی». مصحح از این نسخه در پاورقی به اختصار با عنوان «قم» یاد کرده است.

۲-۲-۴- نسخه آستان قدس رضوی: این نسخه با شماره ۱۰۷۲۹ در کتابخانه آستان قدس رضوی به خط نستعلیق، ۳۱ صفحه ۱۸ سطری به کتابت سید ابوالقاسم موجود است که بر اساس انجامه نسخه در سال ۱۲۸۳ کتابت شده است. نسخه با عبارت «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين و بعد چنین گوید بنده ائیم، کریم ابراهیم...» آغاز می شود.

قابل ذکر است که کاتب پیش از آغاز به نگارش متن رساله در صفحه نخست چنین آورده است: «مجمره و به نستمده و نستعین و علیه توکل». انجامه نسخه نیز به صورت ذیل آمده است: «کتابه سید ابوالقاسم للمخدوم الصفی الوفی... [ناخوانا] حسنعلی تغمده الله بحسن توفیقه فی شهر جمادی الاولی من شهر سنه ۱۲۸۳ فی الهجرة عذر غلط این کتاب از غلط نسخه است با اصطلاحات غریب باید عفو فرمایند ناظرین والسلام علیکم و رحمة الله و

برکاته». که با توجه به عبارت «عذر غلط این کتاب از غلط نسخه است» می توان دریافت که این نسخه، تحریری از نسخه اساس است.

این نسخه اگرچه به خط نستعلیق کتابت شده اما دقت چندانی در خوانش و نگارش کلمات مشاهده نمی شود و به نظر می رسد صرفاً به رونویسی متن اصلی پرداخته و همین امر اشتباهاتی را در متن به وجود آورده است.

۲-۲-۵- نسخه کتابخانه ملی: این نسخه با شماره ۱۰۵۸۸ در کتابخانه ملی به خط نستعلیق ۸۶ صفحه ۱۲ سطری به کتابت علی بن موسی بن ابراهیم موجود است که به استناد انجامه نسخه در بیست و پنجم جمادی الاولی سال ۱۳۰۶ ق. کتابت شده است.

نسخه با عبارت «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين و بعد چنین گوید بنده ائیم کریم بن ابراهیم اعلی الله مقامه و رفع فی الخلد اعلامه...» آغاز شده و انجامه آن نیز به صورت ذیل آمده است: «تمام شد بر دست مؤلفش کریم بن ابراهیم (اعلی الله مقامهما) در شب هفتم ماه مبارک رمضان از سنه هزار و دوست و هفتاد و دو هجری حامداً مصلياً مستغفراً والسلام و تسوید و استنساخ شد بر دست اقل عباد علی بن موسی بن ابراهیم عفی الله عن جرائمهم و فارغ شدم از تحریر آن در شب دوشنبه بیست و پنجم جمادی الاولی سنه یک هزار و سیصد و شش هجری حامداً مصلياً مستغفراً والسلام».

در این نسخه پس از پایان یافتن متن اصلی، کاتب مطلبی در دو صفحه با موضوع چگونگی پیدا کردن عدد آورده است. که بی ارتباط با میزانها و مقادیر اشاره شده در متن برای ترکیب مواد سازنده عطرها نیست.

این نسخه بیشترین میزان مشابهت در متن را با نسخه اساس دارد و معمولاً در ذکر اوزان و مقادیر و نوع ترکیب های انواع عطرها همخوانی بیشتری با نسخه اساس نسبت به سایر نسخه ها دارد. نکته دیگر اینکه تصویری که از ابزار عرق گیری و عطرسازی در برخی از نسخه ها آمده در این نسخه موجود نیست.

۲-۲-۶- نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران: این نسخه با شماره ۳۵۷۰ در بخش نسخ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به خط نستعلیق و دارای ۵۸ صفحه ۱۷ سطری به کتابت حاج میرزا علی اصغر خان ضیاءالاطبا موجود است. نسخه با عبارت «بسم الله الرحمن

الرحیم الحمد لله رب العالمین و صلی اله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین و بعد چنین گوید بنده ائیم کریم ابن ابراهیم...؛ آغاز شده و در صفحه نخست پیش از آغاز متن اصلی، نام رساله به صورت رساله مبارکه مجمره آمده است.

در انجامه نسخه نیز عبارت ذیل آمده است: «تمام شد بر دست مؤلفش کریم ابن ابراهیم در شب هفتم ماه مبارک رمضان سنه هزار دویست و هفتاد دو هجری حامداً مصلیاً مستغفراً کتبه العبد الجانی حاج میرزا علی اصغر خان ملقب به ضیاء الاطبا ابن مرحوم میرزا علی اکبر خان مستوفی طهرانی در ۱۵ شهر ربیع الاول ۱۳۱۹».

این نسخه بیشترین اختلاف را در ذکر مقادیر و در مواردی اختلاف در مواد تشکیل دهنده عطرها، شمامه‌ها، ارکجه‌ها، غالیه‌ها و سایر معطرات با نسخه اساس داراست به طوری که در برخی از موارد تنها نسخه ناهمخوان با نسخه اساس است.

به نظر می‌رسد کاتب در این نسخه به شیوه‌ای آزاد به کتابت از روی نسخه اساس پرداخته و هر جا لازم دانسته است به روان‌نویسی متن روی آورده و جملات را کامل نموده است. در صفحات ۳۷ و ۴۰ این نسخه نیز تصویر ابزار عرق‌گیری و عطرسازی آمده است که تقریباً به تصویر موجود در نسخه قم نزدیک است. مصحح از این نسخه درپاورقی به اختصار با عنوان «مر» یاد کرده است.

۲-۳- ویژگی‌های نوشتاری و رسم‌الخط نسخه

نکاتی که در باب قواعد و شیوه نگارش لغات و ترکیبات و ... در این نسخه به چشم می‌خورد تقریباً با اندکی تفاوت در متون هم‌دوره اثر نیز رعایت می‌شود به بیان دیگر؛ زبان نگارشی اثر جدا از شیوه‌نامه نگارش متون در عصر نویسنده نیست به این معنا که اصولی را در نگارش رعایت کرده که امروز تا حدودی غیر متعارف می‌نماید که از آن میان می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۲-۳-۱- سطح فکری

مجمره رساله‌ای است در تعریف و شناخت انواع عطر و شیوه‌های ترکیب مواد و ساخت آنها در این کتاب مؤلف ضمن پرداختن به معرفی انواع عطرها و فواید آنها با اشاره به احادیث و روایاتی معتبر از پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) اهمیت استفاده از معطرات را بر می‌شمارد.

۲-۳-۲- سطح ادبی

از آنجا که مؤلف رساله می‌کوشد موضوع عطر و شیوه‌های ساخت انواع آن را به شیوه‌ای علمی به خواننده منتقل سازد و اصراری در به‌کارگیری آرایه‌های لفظی و معنوی در متن ندارد؛ خواننده با متنی روان و سلیس و عاری از صنایع ادبی روبه‌روست که اطلاعاتی جامع را در حوزه مورد نظر در اختیار او قرار می‌دهد.

۲-۳-۳- سطح زبانی

با توجه به اینکه مجمره کتابی علمی است مؤلف کوشیده است زبان معیار را در نگارش آن رعایت کند. تلاش در بیان ساده مفاهیم تخصصی، ترک لغات دشوار، دوری از اطناب در کلام و در بسیاری از موارد پرهیز از جدانویسی، برخی از ویژگی‌های زبانی در این اثر است. نکته دیگر اینکه از آنجا که بسیاری از معطراتی که در این اثر آمده ریشه در سرزمین هند دارد لذا لغات و اصطلاحات هندی چه در حوزه گل‌ها و گیاهان و چه در حوزه مقادیر به چشم می‌خورد که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد.

۲-۳-۳-۱- کوتاهی و سادگی جملات

- نه هرچه بدبو نیست و بوی دارد طیب تواند بود (۱۳).
- کسیکه صاحب سلیقه و حکمت باشد میدانند که متلذذ نیستند نهایت خوشبو هستند (۱۵).

۲-۳-۳-۲- استعمال حرف «ک» به جای «گ» در برخی از لغات

- کوش (= گوش): «عطر قوی مانند صدای قوی است که کوشرا پاره کند» (۱۴).
- کلاب (= گلاب): مجموعرا بکلاب ساییده، عطر فتنه یکماشه ونیم چووه عود نیم ماشه روغن زنبق یکتوله بدستور مرتب نمایند (۲۳).

۲-۳-۳-۲- استعمال حرف «پ» به جای «ب» در مواردی

- قدری صندل ساییده را باقی گذارند که فتیلهها را بران لوله کنند که بزمین نچسپد (۳۸).

۲-۳-۳-۴- در مواردی حذف نشانه «مد» روی مصوت بلند «ا»

- سرآمد همه آنها کل سرخ است (۱۳).
- آنچه خرج کنی در بوی خوش اسراف نیست (۴).

۲-۳-۳-۵- به‌کارگیری نشانه جمع فارسی «ها» برای جمع بستن کلمات

- صندل سفید، عود هندی، از هر یک جزوی کوفته و بیخته با کلاب سرشته قرصها سازند (۳۴).

۲-۳-۳-۶- استعمال الف کوچک (ا) بر بالای برخی از کلمات دارای مصوت بلند الف

- سایر نسخ را هم ذکر کردیم هر یک را میخواهی اختیار کن (۲۵).

- صندل سوده را داخل کرده بهم مخلوط کنند و بردارند (۲۶).

۲-۳-۳-۷- حذف «ه» در کلمات مختوم به «ه» هنگام اضافه شدن به نشانه جمع فارسی «ها»

- غالیهها (=غالیهها): بدانکه قانون ساختن غالیهها چنان است (۱۶).

- نسخها (=نسخهها): در این کتاب بعضی نسخهای هندی ذکر شد (۴۳).

۲-۳-۳-۸- کاربرد «سیم» به جای «سوم»

- باب سیم در عبیرها (۲۶).

۲-۳-۳-۹- حرف اضافه «ب» اغلب به اسم یا ضمیر بعد از خود متصل است.

- بتجربه: بتجربه می بینیم که بوی سرد و خشک مانند کافور انسان را سست می کند (۱۱).

- بکار: عطر رازقی را در عطر بیدمشک کردن و امثال اینها بکار است (۴۳).

۲-۳-۳-۱۰- استعمال «می» استمراری به دو صورت جدا و متصل

- پس در قابلمه اول هر چه میخواید روغن بی بوی پاک میکند (۲۹).

- بوی خوش دل را قوت می دهد (۳).

۲-۳-۳-۱۱- کتابت «ت» به صورت «ٹ»

- از احادیثی چند کراهه مداومت خلوق و کراهه بیتوته بخلوق میرسد (۵).

۲-۳-۳-۱۲- متصل نویسی ضمیر «این» و «آن» به کلمه بعد

- از اینجهه در حدیث طیب را منحصر به بان کرده اند (۱۳).

- طبع با وجودی که انرا بدبو نمیداند انرا خوش ندارد (۱۲).

۲-۳-۳-۱۳- استعمال صورت عربی کلمات

- نطف: بعضی بوی نطف را گرفته و بعضی بوی روغن موم را (۲۸).

- حیوه: کافور بر حسب مزاج مخالف مزاج حیوه است (۴۱).

۲-۳-۳-۱۴- استفاده محدود از عبارتها و اصطلاحات عربی

- هادم اللذات: کافور و زرنباد در اطبیب روا نباشد...بوی آنها هادم اللذات می شود نه ملذذ(۱۲).
- مسدودالفم: طیبی که در زجاجه است و مسدودالفم است رایحه طیبیه آن استشمام می شود(۱۱).

۲-۳-۳-۱۵- استعمال محدود تقدیم فعل در جمله

- بگیرند چوب عود هر قدر خواهند و در آب بخیسانند(۳۹).
- بگیرند نارنج و جوف آنرا خالی کنند(۲۶).

۲-۳-۳-۱۶- استفاده از صورت املائی نادرست برخی از کلمات که با فارسی معیار امروز همخوانی ندارد

- مشاطه گی (= مشاطگی): گفت چه امید داشته باشم از مشاطه گی که در بهشت کرده ام و حال آنکه الحال خدا از من درخشم است(۸).
- خورد به جای خُرد در معنی ریز و کوچک: یک سیر لادن عنبری و نیم سیر سنبل الطیب و پاوسیر دواله، لادن را کوبیده باقی را پاک کرده، خورد کرده در گلاب بخیسانند(۲۵).

۲-۳-۳-۱۷- استعمال کلمه ها و واژگان کهن

- از دیگر موارد دارای اهمیت در این متن، غیر از موارد ذکر شده، استعمال کلمات کهن است که برای فهم متن لازم است معنی آنها را در کتاب های لغت جستجو نمود.
- سحق: سودن، ساییدن (دهخدا، ذیل واژه): عنبر اشهب دو درم، مشک ترکی یکدرم، بکلاب سوده و در روغن بان مطیب، سحق نموده(۱۹).
 - صلایه: سنگ پهنی که روی آن داروها را می سایدند.(دهخدا، ذیل واژه): بهارنارنج دو مثقال، حصی لبان دو مثقال، کوفته، بیخته بکلاب صلایه کرده(۳۷).

۲-۳-۳-۱۸- کاربرد مقادیر و معیارها

- با توجه به جایگاه معطرات در نزد مردم در هر دوره واهمیت استفاده از آنها در بین طبقات مختلف، مقادیر در این صنعت از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده و هست. در این نسخه نیز در خاتمه اثر، برخی از مقادیر مورد استفاده و معادل آنها که اغلب

- بر اساس کتاب تحفه حکیم مومن است، آمده که در ادامه به تعدادی از آنها اشاره می‌گردد.
- سرخ: سه جو متوسط است: بسباسه، قافله صغار از هریک سه سرخ، کافور قیصوری نیم سرخ، عرق بهار دو توله، بقاعده درهم آمیزند. (۲۰).
 - ماشه: هشت سرخ است: صندل زرد شش ماشه، عود هندی، حب‌المحلب از هریک، یک ماشه... به گلاب ساییده. (۲۳).
 - توله: دوازده ماشه است که مثقال است: عنبر، یکتوله، عطر عود، یکتوله... مشکرا با کلاب سوده و همه را بهم مخلوط کنند. (۳۳).
 - دام: بیست ماشه است: هیل بوآ، بسباسه هریک پنج دام، اظفار الطیب، پوست نارنج هریک چهار دام... (۳۳).
 - اثار: شصت و چهار توله است: بیخ بنفشه، صندل زرد، پوست نارنج هر یک، یک اثار، صندل سفید، یک اثار... (۳۱).
 - پاو: چهل و هشت مثقال صیرفی است: پاوسیر دواله لادن را کوبیده باقی را پاک کرده (۲۵).
 - استار: چهار مثقال و نیم است: صندل سفید مقاصری، ده استار، صدبرگ، سه استار بدستور عرق کشند و عطر گیرند. (۳۲).
 - اوقیه: هفت مثقال و نیم است: ... عود قماری، غرقی خام، نیم اوقیه، روغن بان مطیب، یک اوقیه غالیه سازند. (۱۹).
 - دانگ: از مثقال، چهارارزن است: عنبر اشهب، مشک تبتی هر یک دو دانگ، لادن، زعفران هریک چهار دانگ کوفته (۳۶).
 - رطل: دوازده اوقیه است که نود مثقال باشد و به درهم صد و سی درهم: برک کل سرخ، ده رطل، بسباسه، چهار رطل و نیم، جوز بوآ، چهار رطل... همه ادویه را کوفته، جدا جدا در روغن کرده (۱۹).
 - درهم: چهل و هشت حبه است: بگیرد عود قماری سی و هشت درهم، جوکوب کرده و در کلاب یکروز بخیساند. (۳۹).

۲-۳-۳-۱۹- استعمال کلمات هندی

- چنپا: نام درختی است (محمدهادی: ۳۱۴): ورد چینی، کل چنپا هریک نیم سیر... بدستور عرق کشند و عطر گیرند (۳۲).
- کیورا: نام گیاهی است... شبیه به درخت نخل و کوتاهتر از آن (محمدهادی: ۷۲۲): دو دام و نیم، کل سنجد، کل کیورا هریک بیست دام... بدستور عطر کشند (۳۰).
- خس: ریشه گیاهی است که در هند و بنگاله در موسم گرما از آن خس خانه می سازند و بر آن آب می پاشند بسیار خوشبو و سرد و خنک می باشد. (محمدهادی: ۳۸۹): سبنل الطیب، مازوی سبز، خس، نیم سیر... (۳۰).

۲-۳-۳-۲۰- به کار گیری لغات تخصصی

- قرع: دستگاهی برای تقطیر مایعات و گرفتن گلاب، عرق و مانند آن، شامل یک دیگ، لوله افقی و لوله ای مارپیچ (دهخدا، ذیل واژه): بگیرند چوب عود هر قدر خواهند و در آب بخیسانند و جوکوب کرده در قرع معکوس، تنکیس کنند (۳۹).

۳- نتیجه گیری

مجمره رساله ای است از حاج محمد کریم بن ابراهیم کرمانی با موضوع عطر مشتمل بر یک مقدمه، هفت باب و خاتمه که در آن به معرفی انواع عطر، عبیر، غالیه، بخور، ند، شمامه و روغن های خوشبو و عطرهای متفرقه پرداخته است. مقدمه اثر علاوه بر دارا بودن اطلاعات ارزشمندی در خصوص تأثیر کاربرد عطر بر جسم و روح و مزاج انسان، حاوی روایات و اخباری از پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) در خصوص فواید استفاده از عطر و امتیاز برخی از آنهاست. مطالعه این اثر به دلیل احتوا بر مطالبی در خور و جامع، بیانگر نکاتی جالب توجه خواهد بود که از آن بین می توان به موارد ذیل اشاره کرد: ۱- تأثیر مذهب و آموزه های دینی بر مردم جامعه در امر رعایت بهداشت فردی با توجه به توصیه های دینی پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) ۲- اهمیت، گستردگی و جایگاه برخی از صنایع و پیشه ها از جمله عطر سازی در روزگاران گذشته در

سرزمین های مختلف از جمله ایران و هند؛ نکته‌ای که از خلال اشارات مؤلف در بیان مقادیر به زبان هندی به دست می‌آید. ۳- تنوع قابل ملاحظه انواع عطر و شیوه‌های متنوع ساخت آنها با توجه به کاربرد هریک ۴- تفاوت در به کارگیری عطرها و بیان تاثیر مثبت یا منفی انواع آن با توجه به جنسیت و مزاج مختلف افراد و ضرورت دقت در این کار. ارائه تعریفی کامل از هریک از انواع معطرات در ابتدای باب مربوط به آن، ذکر جزئیات و روش‌های متنوع ساخت انواع عطر و نیز بیان مقادیر دقیق و وزن مشخص مواد برای ترکیب، همچنین نتیجه بخش بودن یا نبودن ترکیب‌ها از دیگر ویژگی‌های این نسخه است.

پرهیز از تنوع در نگارش و نیز سادگی و روانی نثر به دلیل علمی و تخصصی بودن در سرتاسر متن به چشم می‌خورد به طوری که متن، سلیس و عاری از آرایه‌های ادبی است. نکته دیگر کاربرد لغات و اصطلاحات خاص عطرسازی و نیز استفاده از واژه‌های هندی موجود در این صنعت در متن است.

مؤلف در موارد محدودی نیز از برخی اصطلاحات و ترکیب‌های عربی و نیز لغات کهن بهره جسته که استفاده از آنها از سادگی متن نمی‌کاهد. اصرار مؤلف بر روانی متن تا آنجاست که جز در دو مورد به معنی روان احادیث و روایات معصومین^(ع) در متن بسنده می‌کند. در خاتمه نیز معادل وزنی متداول مقادیر هندی موجود در متن مانند پاو، سرخ و ... را ذکر می‌کند.

یادداشت‌ها

- ۱- در مقاله‌ای که با عنوان «آثار شیخیه» به قلم دکتر حسین بحرالعلومی که در صفحه ۵۳۶ مجله یغما چاپ رسیده است از این مدرسه با نام ابراهیم خان یا ابراهیمیه یاد شده که طبق نوشته ایشان از بناهای خوب کرمان و از مدارس زیبای آن سامان است که دیوارهای آن از کاشی‌های نفیس پوشیده شده و اطراف آن به خط خوش اشعاری از فتحعلی خان صبا کاشانی کتیبه شده و موقوفاتی دارد که مدرسه سعادت کرمان هم از محل عواید همان موقوفات اداره می‌شود. کتابخانه معتبری نیز در مدرسه دایر است و بیش از شش هزارمجلد کتاب در این کتابخانه موجود است (مجله یغما، سال سی‌ام، آذر ۱۳۵۶، ش ۹، پیاپی ۳۵۱)
- ۲- «كَانَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُمَسِّكَةً إِذَا هُوَ تَوَضَّأَ، أَخَذَ بِيَدِهِ وَهِيَ رَطْبَةٌ. فَكَانَ إِذَا خَرَجَ عَرَفُوا أَنَّهُ رَسُولُ اللَّهِ بِرَأْسِهِ»

۳- «عَنْ مَعْمَرِ بْنِ خَلَادٍ قَالَ كُنْتُ مَعَ الرَّضَاءِ (بِخُرَاسَانَ) عَلَى نَفَقَاتِهِ فَأَمَرَنِي أَنْ أَتَّخِذَ لَهُ غَالِيَةً فَلَمَّا أَتَّخِذْتُهَا فَأَعْجَبَ بِهَا فَنَظَرَ إِلَيْهَا فَقَالَ لِي يَا مَعْمَرُ إِنَّ الْعَيْنَ حَقٌّ فَكَتَبْتُ فِي رُفْعَةِ الْحَمْدِ وَقُلْتُ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَالْمَعْوَدُ ثِنْتَيْنِ وَآيَةُ الْكُرْسِيِّ وَاجْعَلْهَا فِي غِلَافِ الْقَارُورَةِ»

۴- لازم به یادآوری است در این نسخه از مجموع ۱۶ برگ، پنج صفحه ۲۰ سطری و نیز یک صفحه ۱۸ سطری کتابت شده است.

فهرست منابع

الف- کتابها

۱. اعتمادالسلطنة، محمدحسن خان . (بی تا). **المآثر و الآثار**. تهران: سنایی.
۲. الیاده، میرچا . (۱۳۸۴). **اسطوره بازگشت جاودانه**. ترجمه بهمن سرکاراتی. طهوری.
۳. ----- . (۱۳۸۵). **رساله در تاریخ ادیان**، ترجمه جلال ستاری. چ سوم. تهران: سروش.
۴. انصاری، شهره . (۱۳۸۱). **تاریخ عطر در ایران**. تهران: فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵. **اوستا** . (۱۳۸۲). گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه. تهران: مروارید.
۶. اوشیدری، جهانگیر. (۱۳۷۱). **دانشنامه مزدیسنا**. چ سوم. تهران: نشر مرکز.
۷. بامداد، مهدی. (۱۳۴۷). **شرح حال رجال ایران**. ج ۴. تهران: زوآر.
۸. بریان، پی.یر. (۱۳۷۷). **تاریخ امپراتوری هخامنشیان (از کورش تا اسکندر)**. ترجمه مهدی سمسار، ج ۲، تهران: انتشارات زریاب.
۹. بلعمی، ابوعلی محمد بن محمد. (۱۳۸۵). **تاریخ بلعمی**. مصحح محمد پروین گنابادی. تهران: زوآر.
۱۰. پورداد، ابراهیم. (۱۳۸۰). **فرهنگ ایران باستان**. تهران: اساطیر
۱۱. **تاریخ سیستان**. (۱۳۸۱). مصحح محمدتقی بهار. تهران: انتشارات معین.
۱۲. خلف نیشابوری، ابواسحاق ابراهیم بن منصور. (۱۳۸۶). **قصص الانبیاء**. تهران: علمی و فرهنگی.
۱۳. دادگی، فرنیخ . (۱۳۸۰). **بنداهش**. گزارنده مهرداد بهار. تهران: توس.
۱۴. **دایرة المعارف تشیع**. (۱۳۹۰). زیر نظر احمدصدر حاج سیدجوادی و دیگران، ج ۱۴. تهران: انتشارات حکمت.
۱۵. درایتی، مصطفی. (۱۳۸۹). **فهرست واره دستنوشته های ایران (دنا)**. ج ۱۲. تهران: میراث مکتوب.

۱۶. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). **لغتنامه**. ج ۲ دوره جدید. تهران: مؤسسه لغت نامه دهخدا.
۱۷. شاندور، آلبر. (۱۳۵۵). **کوروش کبیر**. ترجمه هادی هدایتی. تهران: دانشگاه تهران.
۱۸. طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۷۸). **سنن النبّی**. ترجمه محمد هادی فقهی. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۱۹. _____ (۱۳۸۱). **سنن النبّی، آداب، سنن و روش های رفتاری پیامبر گرامی اسلام**. ترجمه حسین استاد ولی. تهران: پیام آزادی
۲۰. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر. (۱۳۸۴). **تاریخ الرّسل و الملوک (بخش ایران از آغاز تا سال ۳۱ هجری)**. ترجمه صادق نشات. تهران: علمی و فرهنگی.
۲۱. عقیقی، رحیم. (۱۳۸۳). **اساطیر و فرهنگ ایران**. تهران: توس.
۲۲. **عطرنامه عالی**. (۱۳۴۷). محمد تقی دانش پژوه. « فرهنگ ایران زمین ». ش ۱۵، ص ۲۵۴-۲۷۶
۲۳. ف. ژیران و دیگران. (۱۳۸۶). **اساطیر آشور و بابل**. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: کاروان.
۲۴. کالج، مالکوم. (۱۳۵۵). **پارتیان**. ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر.
۲۵. کرمانی، محمد کریم بن ابراهیم. (بی تا). **مجمره؛ رساله در عطر کشی**. نسخه خطی کتابخانه ملی ملک. به شماره ۴۳۸۴/۱
۲۶. _____ (بی تا). **مجمره؛ رساله در عطر کشی**. نسخه خطی کتابخانه آستان قدس رضوی. به شماره ۱۰۷۲۹
۲۷. _____ (بی تا). **مجمره؛ رساله در عطر کشی**. نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. به شماره ۳۵۷۰
۲۸. _____ (بی تا). **مجمره؛ رساله در عطر کشی**. نسخه خطی کتابخانه ملی. به شماره ۱۰۵۸۸
۲۹. _____ (بی تا). **مجمره؛ رساله در عطر کشی**. نسخه خطی کتابخانه امامزاده هلال بن علی آران و بیدگل. به شماره ۲۲۰
۳۰. کریستن سن، آرتور. (۱۳۸۳). **نمونه های نخستین انسان و نخستین شهریار**. ج ۲ در یک مجلد. ترجمه ژاله آموزگار- احمد تفضلی. تهران: چشمه.

۳۱. گای، لسترنج. (۱۳۸۳). **جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی**. ترجمه محمود عرفان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۲. مجلسی، محمدباقر. (۱۳۵۱). **بحار الانوار** (کتاب السماء و العالم). ترجمه محمدباقر کمره‌ای. تهران: اسلامیه.
۳۳. محمدهادی، محمد حسین. (۱۳۷۱). **مخزن الادویه**. چ دوم. تهران: انتشارات آموزش و انقلاب اسلامی.
۳۴. محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۷۷). **میزان الحکمة**، ج ۷، ترجمه حمیدرضا شیخی. قم: دارالحدیث.
۳۵. منزوی، احمد. (۱۳۴۸). **فهرست نسخه‌های خطی فارسی**. تهران: مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای.
۳۶. **مینوی خرد**. (۱۳۸۰). ترجمه احمد تفضلی به کوشش ژاله آموزگار. ویرایش سوم. تهران: توس.
۳۷. ویسهوفر، یوزف. (۱۳۷۸). **ایران باستان**، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: ققنوس.

ب) مقاله‌ها

۱. بحر العلوم، حسین. (۱۳۵۶). «آثار شیخیه». **مجله یغما**. سال سی‌ام. آذرماه. ش ۹. پیاپی ۳۵۱. ص ۵۳۶.
۲. نوایی، عبدالحسین. (۱۳۲۷). «احوال بزرگان». **مجله یادگار**، سال ۵، شماره ۴ و ۵. صص ۱۰۶-۱۱۸ و شماره ۶. صص ۶۲-۷۳.